



کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)

دانشگاه رازی، سال ... شماره ... فصل سال ...، صص. (صفحه شروع - پایان)

بازخوانی آراء نیکلسون در پرتو مبانی نظری ادبیات تطبیقی

تورج زینی‌وند^۱

دانشیار، زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

پریسا امیری^۲

کارشناس ارشد، زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

دریافت: پذیرش:

چکیده

رینولد آلن نیکلسون (۱۸۶۸-۱۹۴۵م) خاورشناس برجسته انگلیسی، اگرچه یک «نظریه پرداز» یا «تطبیقگر» معروف در حوزه ادبیات تطبیقی نیست و شهرتش بیشتر در «ترجمه»، «تصحیح» و «شرح» برخی آثار مشهور تصوف اسلامی است، اما در کتاب «تاریخ ادبیات عرب» به بیان برخی جریان‌های «تأثیر و تأثر»، «مقایسه‌ها» و «تحلیل‌های تطبیقی» مختصر و روشمندی همت گمارده است.

یافته‌های این پژوهش توصیفی-تحلیلی، بیانگر این است که برخی نمونه‌های تطبیقی نیکلسون در این اثر در چند بُعد برجسته نظریه ادبیات تطبیقی قابل «استنباط»، «تحلیل» و «دسته بندی» است: ۱. جریان تأثیر و تأثر. ۲. ادبیات تطبیقی و قلمرو فرهنگ (فرهنگ شفاهی، تصویرشناسی فرهنگی، مطالعات پسا استعماری). ۳. تمایزات و تشابهات میان ادیبان و فرهنگ‌ها. ۴. نقد و زیبایی‌شناسی تطبیقی متون ادبی.

افزون بر این، هنر نیکلسون در این رویکردها بیشتر در بررسی دو قلمرو تأثیر و تأثر و مقایسه تشابهات و تمایزات ادبی نهفته است. در گونه نخست؛ موضوع حضور فرهنگ ایرانی در گستره تمدن اسلامی، بیشترین کمیت بحث را به خود اختصاص داده است و در بخش دوم؛ مسأله نقد و زیبایی‌شناسی و مقایسه ادیبان عرب با بزرگان ادب و اندیشه غربی - البته به اختصار و ایجاز - بیشترین نمود را دارد.

واژگان کلیدی: نیکلسون، ادبیات تطبیقی، تاریخ ادبیات عرب، نظریه ادبی، مقایسه ادبی.

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

رینولد آلن نیکلسون (۱۸۶۸-۱۹۴۵ م) از شرق‌شناسان معروف اروپایی (انگلستان) به شمار می‌آید. شهرت این پژوهشگر، بیشتر با بررسی، تصحیح، ترجمه و شرح برخی آثار برجستهٔ تصوّف اسلامی در پیوند است. آثاری همچون: مثنوی معنوی، اللّمع فی التصوّف؛ اثر ابونصر سراج، کشف المحجوب اثر هجویری، ترجمان الأشواق اثر ابن عربی و ... اما از دیگر آثار ممتاز وی به زبان انگلیسی، کتاب تاریخ ادبیات عرب^(۱) است که در ایران به همت "کیوان دخت کیوانی" (۱۳۸۰) و در زبان عربی به وسیلهٔ "عبدالحلیم نجار" برگردان شده است. نیکلسون در این اثر به تحلیل تفصیلی و ناقدانه‌ای از تاریخ ادبیات و فرهنگ عرب پرداخته است که بررسی شیوه و سبک تدوین آن، مجال دیگری را می‌طلبد. علاوه بر آن، این کتاب از زوایای گوناگون دیگری از جمله بررسی تأثیر، تأثر و تشابه زبان و ادبیات اعراب و زبان و ادبیات فارسی با رویکرد تحلیلی-انتقادی براساس مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی، قابلیت پژوهش را دارد. لذا در پژوهش حاضر کتاب تاریخ ادبیات نیکلسون و آراء وی در این اثر درباب چگونگی تأثیر گذاری، تأثیر پذیری و همچنین تشابهات زبان و ادبیات اعراب و زبان و ادبیات فارسی مورد تحلیل و نقد قرار می‌گیرد.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

اهمیت و ضرورت چنین پژوهش‌هایی نیز بیشتر از آن جهت است که می‌تواند راهگشا و راهنمای پژوهشگران حوزهٔ ادبیات تطبیقی، به ویژه علاقمندان به تحلیل‌های نظری و مقایسه‌های عملی باشد. از سوی دیگر، بخش عظیمی از این اثر به بیان تأثیرات ژرف فرهنگ و ادب ایرانی بر فرهنگ عربی می‌پردازد. از این رو، واکاوی و تحلیل این تأثیرگذاری‌ها برای تدوین، تحلیل و تکمیل تاریخ ادبیات ایران از اهمیت اساسی برخوردار است و اصولاً بارورسازی و تقویت فرهنگ ملی از آرمانهای اساسی ادبیات تطبیقی است.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

دو پرسش اساسی این پژوهش عبارتند از:

- الف. نیکلسون در این اثر بیشتر به سمت کدامیک از قلمروهای ادبیات تطبیقی نظر دارد؟ روش پرداختن وی به این قلمروها چگونه است؟
- ب. مقایسه‌ها و نمونه‌های تطبیقی ذکر شده در این اثر، از نظر گاه ادبیات تطبیقی، دارای چه ویژگی-

هایی هستند؟

۱-۴. پیشینه پژوهش

تاکنون در حوزه مطالعات تطبیقی فارسی و عربی پژوهش‌های فراوانی انجام شده است، اما در باب مقایسه تطبیقی آثار نیکلسون پژوهش قابل ذکری انجام نشده است، تنها پژوهشی که نگرشی سطحی و گذرا به کتاب تاریخ ادبیات نیکلسون داشته مقاله‌ای به صورت تحلیلی است؛ تحت عنوان «شیوه‌های پردازش مشاهیر خاورشناسی»، دادخواه، سعدونی، (۱۳۸۹)، این مقاله در جهت بررسی شیوه تاریخ ادبیات نگاری پاره‌ای از خاورشناسان انجام شده است و به صورت اجمالی شیوه کار چندتن از آنان از جمله نیکلسون را مورد کاوش قرار داده است. از این رو، لازم به ذکر است که در باب پیشینه تحقیق پیش رو تا کنون پژوهشی با عنوان فوق انجام نشده است.

۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، ابتدا به واکاوی چگونگی بازتاب ادبیات تطبیقی، سپس به تحلیل نمونه‌های تطبیقی مؤلف پرداخته می‌شود؛ برای دستیابی به چنین مقصودی، شواهد کتاب را براساس مؤلفه‌های برجسته ادبیات تطبیقی، استخراج و دسته‌بندی نموده و براساس نظریه‌های کنونی ادبیات تطبیقی به تحلیل آنها پرداخته‌ایم.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۱-۲. نیکلسون و جریان تأثیر و تأثر تاریخی

«پیوند تاریخی» و لزوم «تأثیرپذیری» و «تأثر» از شروط و کلید واژه‌های اساسی پژوهش تطبیقی در مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی به شمار می‌آیند. در این نظریه، ارائه مستندات و مدارک دقیق «پیوند و تلاقی تاریخی» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. البته، این رویکرد با نقدها، چالش‌ها و پرسش‌های فراوانی نیز روبرو بوده است که پرداختن به آنها ما را از عنوان اصلی این جستار دور می‌نماید. (ر.ک:

انوشیروانی، ۱۳۸۹/ب:۳۸)

اما نیکلسون در کتاب تاریخ ادبیات عرب در چند موضوع برجسته و ممتاز فرهنگی-ادبی بر این شیوه عمل نموده است؛ البته، لازم به توضیح است که پیدا کردن چنین نمونه‌هایی در این اثر و آثار مشابه که دال بر تأثیر و تأثر است، نیاز به «هوش و سخت‌کوشی چندانی ندارد»^(۷)، بلکه مهم بررسی و تحلیل چگونگی و شیوه کار ایشان است، نه یافتن نقل قول‌ها و دسته‌بندی گفته‌های وی.

نیکلسون بر این عقیده است که تأثیرگذاری فرهنگ اعراب و مسلمانان فاتح بر دیگر ملت‌ها امری

مشهود و غیر قابل انکار است. وی برای این تأثیر گذاری به چهار عامل دین، اقتصاد، سیاست و علم اشاره و استناد می‌کند:

«وقتی اعراب به عنوان فاتح در سوریه و ایران مستقر و با مردم آن قاطی شدند... در اوایل قرون وسطی تمام مسلمانان با فرهنگ از هر ملیتی گرفته از هند گرفته تا آتلانتیک به این زبان صحبت می‌کردند و می‌نوشتند. این زبان، زبان دین و حکومت، زبان قانون و تجارت، زبان سیاست و علم و ادب شد.» (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۲۶).

از سوی دیگر، ایشان در ادامه به جریان تأثیر گذاری دیگر فرهنگ‌ها و ملت‌ها در اواخر دوره بنی‌امیه و در اوایل عصر عباسی بر «اعراب» اشاره می‌کند و بر این عقیده است که ترکیب و پیوند فرهنگی اعراب با دیگر ملت‌ها در این دوره قابل تفکیک و تمیز نیست:

«حقیقت، این است که بعد از دوران بنی‌امیه، مرزبندی پر رنگی نبود که بتواند در ادبیات عرب بین خودی و بیگانه مرزی بکشد، هریک تأثیری بر دیگری داشت و اغلب هردو با هم یکی می‌شدند» (همان: ۳۲).

یا در سخن زیر به تأثیر پذیری برخی از شاعران دوره اموی از عنصر فرهنگ (فرهنگ قبل و بعد از اسلام) اشاره می‌کند. امروزه **ارتباط فرهنگ و ادبیات تطبیقی** (ر.ک: زینی‌وند، ۱۳۹۲: ۱). از قلمروهای برجسته این دانش (ادبیات تطبیقی) به شمار می‌آید:

«ما مطمئنیم کسانی نظیر نابغه، لیبید و اعشی،^(۳) بدون تأثیر از فرهنگ اطرافشان باقی نمی‌ماندند، حتی اگر این فرهنگ به طور جدی در زندگیشان نفوذ نکرده باشد. نشانه‌های احساسات مذهبی قابل توجهی که در شعر پیش از اسلام یافت می‌شود، قابل انکار نیست...» (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۱۶۰).

استدلال ایشان در خصوص این تأثیر پذیری از فرهنگ اطراف آن است که این مسأله، با جریان فرهنگ بیرونی؛ از جمله؛ آیین‌های یهود و مسیحیت در ارتباط است:

«از بحث‌های فون کرمر^(۴)، سرچارلز لایل^(۵) و ویلهاوزن^(۶) تشکر می‌کنیم که مشخص کرده‌اند:

۱. موارد مذهبی ذکر شده فوق، لحن اسلامی ندارد. ۲. در این بخش‌ها ریشه اسلامی یافت نمی‌شود. ۳. بدیهی است این اشعار نتیجه ناگزیر و طبیعی تأثیر گسترده یهودیت و به خصوص مسیحیت است. اگرچه در کل این تأثیر، سطحی است.» (همان).

تأمل در این عبارت مؤلف (در کل این تأثیر سطحی است) می‌تواند پژوهشگران عرصه ادبیات تطبیقی را که به بررسی جریان‌های تأثیر و تأثر می‌پردازند، یاری کند. در حقیقت، لازم است که تطبیقگر

عرصه ادبیات تطبیقی، کمیّت و کیفیت تأثیرپذیری و تأثیرگذاری را معین و مشخص کند. مقایسه‌های سطحی نمی‌تواند مخاطبان آگاه را اقناع کند و از آنجا که امروزه در ایران، بیشترین مقایسه‌های این جریان در حوزه ادب فارسی و عربی صورت می‌گیرد، لازم است که در پژوهش‌های مقایسه‌ای ضمن پرهیز از سطحی‌نگری، کمیّت و کیفیت تأثیرپذیری و تأثیرگذاری نیز معلوم گردد. نیکلسون درباره روند انتقال و تأثیرگذاری فکری و ادبی ایرانی و یونانی بر شعر عرب نیز چنین گفته است:

«آنچه ایرانیان به شعر عرب وارد کردند، یک سبک پر طمطراق نبود، بلکه خیال زنده و جذاب، شکوه لفظ و لطافت احساس و غنای فکر بود. روند این انتقال، علاوه بر تأثیر فرهنگ ایران و یونان توسط عوامل دیگری نیز یاری شد.» (همان: ۳۰۴).

یا در باب چگونگی شکل‌گیری جریان تصوّف در عصر عباسی به تأثیرپذیری مسلمانان از سه فرهنگ هندی، ایرانی و یونانی اشاره می‌کند:

«در مورد ماهیت این عنصر جدید، نظریات ضد و نقیض بسیاری است که پروفیسور براون^(۸) آن را به روشنی و وضوح، در تاریخ ادبی ایران، (ج ۱: ۴۱۸) ارائه داده است و احتیاجی به تکرار آن نیست و او به طور اختصار بیان می‌دارد: الف. تصوّف الهام گرفته از فلسفه هند، بخصوص از ودانتا است. ب. اصل بیشتر عقاید صوفیه از ایران نشأت گرفته است. ج. این عقاید از نوافلاطونی نشأت یافته است.» (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۳۸۹).

نیکلسون بر این عقیده است که فرهنگ اسلامی در اندلس قدیم، تأثیر فراوانی بر فرهنگ مردمان آن سامان داشته است:

«همانطوری که شعر عربی در شرق، تحت تأثیر فرهنگ ایرانی درآمد، در اسپانیا نیز به تدریج با آمیختن با فرهنگ آریایی و سامی‌ها عناصر جدیدی ارائه کرد که تأثیر خود را بر هر دوی آنها به جای گذاشت.» (همان: ۴۲۱).

یا در سخن زیر درباره تأثیر پذیری متفکران اروپایی از اندیشه‌های ابن خلدون^(۸) چنین می‌گوید:

«وارثان تفکر او (ابن خلدون) از مورخان بزرگ اروپا در قرون وسطی و عصر جدید، امثال ماکیاولی^(۹)، ویکو^(۱۰) و گیبون^(۱۱) هستند.» (همان: ۴۴۴).

بررسی مختصر کتاب هزار و یک شب و بیان شهرت و تأثیر آن در فرهنگ و ادبیات اروپا از دیگر اشارات نیکلسون است؛ البته، این داستان از آن زمانی که وارد حیطه ادبیات جهانی گردیده، تغییرات و

تحولات فراوانی را به خود دیده است. زندگی و تولد دوباره این اثر و تبدیل آن به یک شاهکار ادبی جهان، حاصل ترجمه این اثر به زبانهای اروپایی است. (ر.ک: انوشیروانی، ۱۳۹۰/ب: ۳۸-۴۹).

نیکلسون در این باب می‌گوید:

«در دوره ممالیک کتاب هزار و یک شب شکل نهایی می‌گیرد، اثری که بیش از هر اثر ادبی دیگر عرب در اروپا شهرت دارد.» (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۴۶۴).

از نظر نیکلسون، ابن عربی^(۱۲) از چهره‌های تأثیرگذار تفکر اسلامی بر اندیشمندان همچون: ریموند لول^(۱۳) و دانته^(۱۴) بوده است:

از طریق شاگردش، صدرالدین قونیوی^(۱۵) بر بزرگترین شاعر عارف، جلال‌الدین مولوی، سراینده مثنوی که سی سال بعد از وی وفات یافت، تأثیر گذاشت. همه کسانی که عقیده او را به عاریت گرفته‌اند، تنها از مسلمین نیستند. او الهام‌بخش نویسندگان مسیحی قرون وسطی مانند ریموند لول، کلیم روشنگر و احتمالاً دانته بود. (همان: ۴۰۹).

آشنایی مردم اروپا با فرهنگ و تمدن اسلامی که بازتاب حضور تمدن اسلامی در اروپاست، بخش دیگری از اشارات نیکلسون است:

«فاتحان عرب در آسیا، تحت افسون فرهنگ قدیمی‌تر و برتر از فرهنگ خود قرار گرفتند، اما دیری نپایید که پس از عبور آنها از تنگه جبل الطارق نقش‌ها عوض شد... تمام جوان‌های مسیحی با استعداد فقط با زبان عربی و نوشته‌های عربی آشنا هستند. با حرارت و شوق کتاب‌های عربی را بررسی و مطالعه می‌کنند...» (همان: ۴۱۹-۴۲۰).

از نظر نیکلسون، فرهنگ و تمدن یونانی، سهم ارزنده‌ای در گسترش فرهنگ اسلامی داشته و این انتقال فرهنگی گاه از طریق ادبیات و گاه از طریق ارتباط اعراب با ملت‌های نو مسلمان و مجاور یونان بوده است:

«آمیختگی مسلمین به فرهنگ و تمدن یونانی، تنها از طریق ادبیات نبود. در عراق، سوریه و مصر، فرهنگ یونانی سرزمین بومی خود را یافت...» (همان: ۳۹۴).

هجرت ادبی و فکری آثار هندی در افکار اسلامی و در حقیقت چرخه حرکت آنها (هند-ایران-اعراب) موضوع دیگری است که نیکلسون آن را با دقت و تیزبینی بیان نموده است:

«تأثیر ادبی هند بر افکار اسلامی، قبل از ۱۰۰۰ میلادی، کمتر از تأثیر یونان بود. به طوری که هرکس از تورق صفحات الفهرست، می‌تواند آن را دریابد، اما عقاید و مذاهب هندی باید خیلی زودتر از اینها،

در خراسان و شرق ایران رخنه کرده باشد. «همان: ۳۹۵).

به هر حال، ویژگی بارز اندیشه نیکلسون در این بخش، حرکت در مسیر اثبات‌گرایی پیوندهای تاریخی- فرهنگی و ارائه اسناد، شواهد و مدارکی است که گواه تأثیر و تأثر باشد.

۲-۲. ادبیات تطبیقی و فرهنگ شفاهی

تأثیر متقابل ادبیات عامیانه (فرهنگ شفاهی) و مکتوب از دیگر قلمروهای ادبیات تطبیقی است. در حقیقت، واکاوی پیوند متون ادبی با فرهنگ شفاهی و بررسی تحولات و تغییرات آنها در گذر زمان امروزه به یکی از کارکردهای ادبیات تطبیقی تبدیل شده است. نظریه‌پردازان مطالعات فرهنگی معتقدند که فرهنگ هر جامعه‌ای از گفتمان‌های گوناگونی تشکیل شده است که متن نوشتاری یا ادبیات فقط یکی از آنهاست. در واقع آنها «متن» را در معنای وسیع‌تری به کار می‌برند که می‌تواند شامل متون نوشتاری و دیداری و شنیداری و فرهنگ عامه نیز باشد (انوشیروانی، ۱۳۸۹/ب: ۵۲).

نیکلسون در این اثر از بیان چنین پدیده‌ای غافل نبوده است:

«دکتر بروکلیمان^(۱۶) گفته است که اشعار عاشقانه در این عصر عمدتاً دارای ریشه مردمی است. برای مثال: اشعار منتسب به جمیل خطاب به دختر عمش بئنه و مجنون، قهرمان داستانهای بی‌شمار عشقی ایران و ترکی که از عشق او نسبت به لیلی سخن گفته می‌شود. اینها تصنیف‌های مردمی واقعی هستند که نمونه‌های آن در «هزار و یک شب» نیز یافته می‌شود و ممکن است در حال حاضر در کوزه‌های بیروت و در سواحل دجله شنیده شود.» (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۲۵۱). تجلی ادبیات عامیانه در یک اثر فرا ملی (هزار و یک شب) که حکایات و اشعار موجود در آن مرزهای جغرافیایی بسیاری را درنوردیده است، گویای رویکرد تطبیقی نیکلسون در این بخش بر اساس مکتب تطبیقی فرانسه است. «از دیدگاه مکتب فرانسوی اثبات روابط تاریخی بین آثار ادبی که به زبان‌های مختلف نگاشته شده‌اند، شرط مسلم و قطعی ورود به عرصه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی است. تطبیق صرفاً وسیله یا روشی است برای رسیدن به هدف که همانا تبیین تعاملات و مبادلات ادبی بین ملت‌های مختلف است.» (انوشیروانی، ۱۳۸۹/ب: ۱۳) این تعاملات و مبادلات گاه منجر به گسترش نوعی از ادبیات به شیوه‌ای مشابه در چندین سرزمین می‌شود. از این‌رو، بررسی و تبیین پیوند میان ادبیات عامیانه این سرزمین‌ها نیز در شمار بررسی تطبیقی فرهنگ شفاهی بین‌المللی است. نقد و بررسی انواعی از اشعار عامیانه مطرح در تاریخ ادبیات اعراب (دوییتی، موالیا، کان‌کان، الحماق، الموشح و الزجل) توسط نیکلسون را باید نوع دیگری از بررسی تطبیقی فرهنگ عامیانه سرزمین‌های تحت لوای اعراب و ادبیات عرب برشمرد:

«قزوینی با اشاره به شهر شلب در پرتغال می‌گوید: یکی از عجایب این شهر این است که از جمعیت بی‌شماری که در آن‌جا زندگی می‌کردند، کمتر کسی بود که شعر نگوید و با ادب سر و کار نداشته باشد. اگر از کنار یک روستایی که شخم می‌زد، رد می‌شدید و از او می‌خواستید چند بیت شعر بخواند، او فوراً در هر موضوعی که انتخاب می‌کردید برایتان شعری می‌سرود. از میان این اشعار عامیانه «الزجل» و «الموشح» بسیار مورد پسند بودند. هردوی آن‌ها در اندلس ابداع شده و ساخت آنها شبیه به هم بود.» (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۴۲۲-۴۲۱) شهرت این تصانیف به حدی بود که حتی شاعران دربار گاه فروتنی می‌کردند و به این سبک می‌سرودند. می‌توانیم دوبیتی و مولیای و کان‌کان و الحماق را به الموشح و الزجل اضافه کنیم که با شعر معمولی و منظم، فنون هفتگانه را می‌سازند. صفی‌الدین حلّی که رساله‌ای خاص درباره تصانیف عامیانه عربی نوشته، دو نوع دیگر را مورد توجه قرار داده و گفته است که از اختراع مردم بغداد بوده و در سحرهای ماه رمضان آنها را می‌خوانده‌اند. جالب توجه است که با این وصف عده کمی از ادبا حتی با روشی غیرمطمئن کوشیده‌اند شعر عربی را از نظام خشک آکادمی که بر آن حاکم بود آزاد کنند و از این طریق خونی تازه به رگ‌های آن بریزند.» (همان: ۴۵۶-۴۵۷). چنان که مشاهده می‌شود اشاره به پیوند ادبیات عامیانه در سرزمین‌های عرب و غیر عرب به خوبی نشان از تطبیق ادبیات و فرهنگ ملل گوناگون دارد.

۲-۳. تصویرشناسی فرهنگی

پیوند ادبیات تطبیقی با تصویرشناسی^(۱۷) از این جهت است که پژوهشگر در این رویکرد به دنبال آن است تا سیمای فرهنگ و ادب خود را در آینه فرهنگ و ادب دیگری ببیند. این رویکرد از موضوعات مورد توجه در مکتب فرانسوی است» (انوشیروانی، ۱۳۸۹/ب: ۳۹) افزون بر این، تحلیل گفته‌ها با بهره‌گیری از تعابیر و کلیدواژه‌هایی همچون: فرانکر، فرونگر، منفی‌نگر، مثبت‌اندیش، خودی، دیگری، فرادست، فرودست و... از دیگر مختصات این نظریه است.

نیکلسون در سخن زیر به توانایی و تفوق ایرانیان در دو عرصه «سیاست و فرهنگ، اینگونه اشاره می‌کند و چه بسا چنین سخنانی ما را در درک بهتر ادبیات ملی و «ریشه‌های فرهنگی مشترک»^(۱۸) با ملت‌های اسلامی یاری کند:

«در زمینه سیاست و ادبیات نیز، ایرانیان برتری به دست آوردند» (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۲۶۱).

یا در گفته زیر به نبوغ و تسلط ایرانیان در عرصه فرهنگ و ادب عربی پرداخته و تأثیرگذاری آنان را در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی برمی‌شمارد:

«اولین چیزی که به ذهن محققین ادبیات عرب قرون وسطی می‌رسد، این حقیقت است که تعداد اعظم نویسندگان طراز اول آن غیر عرب یا نیمه عربند، مردانی که پدر یا مادرشان خارجی بوده‌اند، مخصوصاً از نژاد ایرانی.» (همان: ۲۹۱).

از نظر نیکلسون، حضور حکمت ایرانی، که بنیادش بر شعار دانایی، توانایی است، در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی بسیار چشمگیر بوده است. این موضوع، تصویر دیگری از جایگاه ایرانیان در این مجال است. در این تصویر، عنصر تمدن سازی و نفوذ فرهنگی - اجتماعی ایرانیان قابل استنباط است: «همانطور که دیدیم، حتی در دوران امویان، این مطلب که «دانایی، توانایی است» به وسیله نفوذ اجتماعی زیاد ایرانیان مسلمان در جامعه اسلامی به طور برجسته‌ای آشکار شد» (همان: ۲۹۲). وی در باب جریان نوگرایی در عصر عباسی، به یک عامل فرهنگی شاخص و بیرونی (فرهنگ ایرانی) اشاره نموده و اینگونه می‌نویسد:

«واکنش غیر قابل اجتناب و مسلم، به طرفداری از شعر جدید و ادبیات معاصر به طور کلی بر اساس مقتضیات گوناگونی تشریح شد... در میان جریانات فکری اصلی متمایل به این طرز فکر که به خوبی در مقاله گل‌زهر دیده می‌شود می‌توان به این موارد اشاره کرد: الف: روحیه پارسی و تقوای پرورده شده توسط عباسیان. ب. تأثیر فرهنگ خارجی و به طور برجسته فرهنگ ایران.» (همان: ۳۰۱). در مجموع، تصویری که نیکلسون از جامعه‌شناسی تاریخی - فرهنگی ایرانیان ارائه می‌دهد، همراه با ستایش و تمجید و بیان نقش گسترده ایشان در شکوفایی تمدن اسلامی است.

۲-۴. ادبیات تطبیقی و مطالعات پسا استعماری

آنچه که امروزه از آن به عنوان نقد و مطالعات پسا استعماری^(۱۹) یاد می‌شود در برخی از اندیشه‌های نیکلسون به روشنی قابل تحلیل است؛ دیگری پنداشتن جوامع اسلامی، تقابل شرق و غرب، برتری انگاری غربی، امید به نفوذ و سیطره فرهنگی، انقیاد هویتی از مختصات بارز این اندیشه نیکلسون است که در سخن زیر بازتاب یافته است:

«تا اینجا فرهنگ غرب فقط توانسته است تأثیری سطحی بر اسلام بگذارد. آیا عاقبت به عمق آن راه می‌یابد و به درونی‌ترین نهانخانه نظام کلامی و ادبیات سنتی که به شدت در عواطف مردم مسلمان ریشه دوانده نفوذ می‌کند؟ یا برای همیشه به شکل ره آورد خارجی و فضیلتی گرانقدر از منورالفکری و آزادی طلبی به جای می‌ماند؟ و یا هدف تحقیر و تنفر مسلمانان به طور عام می‌شود؟ اینها سؤالاتی هستند که تا قرن‌های آینده هم به آنها پاسخی داده نخواهد شد.» (همان: ۴۷۶).

در حقیقت، غرب مداری و نگاه فرونگر مؤلف که همراه با امید به تغییر و تحوّل شرقیان حسب خواست و اراده‌گریبان است، از ویژگی‌های بارز این سخن نیکلسون است. شاهد زیر نیز این نگرش نیکلسون را به خوبی نشان می‌دهد:

«تا اواخر قرن نوزدهم این اشعار منزوی (شعرهای مردمی و عامیانه مانند دوبیتی، موالیا، الحماق، الموشح و...) به آن حد نرسیدند که یک مکتب شعر عامیانه زنده را پایه ریزی کنند. تنها آینده است که می‌تواند به ما نشان دهد که آیا اعراب توانایی ایجاد نبوغی را که باعث موقّ شدن در سرودهای ملی شود دارند یا خیر. همانند آنچه رابرت برنز برای تصانیف اسکاتلندی انجام داد.» (همان: ۴۵۷).

در کتاب تاریخ ادبیات نیکلسون نگاه فرانگر او به شرقی‌ها و کم‌اهمیت جلوه دادن توانایی‌های آنان به وضوح قابل مشاهده است. خود برتر بینی این نویسنده انگلیسی تبار چنان است که او توجه و علاقه پادشاهان مسیحی به علم و فلسفه اسلامی را مایع شرم مسیحیت می‌داند:

«اسپانیا تنها سرزمینی نبود که فرهنگ اسلامی از آنجا، به دیگر سرزمین‌های مسیحیان اشاعه یابد. سیسیل توسط اغالبه تونس، در اوایل قرن نهم میلادی فتح شد و گرچه جزیره در ۱۰۷۱ میلادی به دست نورمن‌ها افتاد، دربار پالمو حال و هوای نیمه شرقی داشت. در اینجا در حکومت فردریک دوم از خانواده هوهشتاوفن (۵۹۱-۶۵۸ هـ / ۱۱۹۴-۱۲۵۰ م)، شاید این افراد دیده می‌شدند: گروهی از طالع بینان بغدادی با ریش‌های دراز و عبا‌های موجدار، یهودیان که به عنوان مترجم آثار عربی از امراء دستمزد می‌گرفتند و رقاصه‌های عربی و آنها که در اعیاد شیپورهای نقره‌ای می‌زدند. هم فردریک و هم پسرش مانفريد مشتاقانه دوستدار اعراب بودند با اتخاذ رفتار بت‌پرستانه و توجه به علم و فلسفه اسلامی مسیحیت را شرم‌زده کردند.» (همان: ۴۴۷-۴۴۶)

همچنین در اثر مورد پژوهش می‌بینیم که علی‌رغم پیشینه غنی مسلمانان در زمینه علم و فلسفه، نیکلسون به شیوه‌ای نامحسوس سعی در کتمان این حقیقت دارد که علوم قیاسی و فلسفه مسلمانان با به پای گسترش حکومت اسلامی در بسیاری از سرزمین‌ها نشر و گسترش یافت. وی از سوی دیگر سعی دارد مسلمانان را مصرف‌کننده‌های فلسفه و علوم غربی معرفی کند و پیشتازی و برتری یونان را در این حوزه اثبات کند:

«در برخی علوم فلسفی و قیاسی می‌بینیم که اعتقادات و نظرات مسلمانان به طور طبیعی ریشه در فرهنگ یونان دارد که از زمان فتوحات اسکندر در مصر، شام و غرب آسیا بنیان گذاشته شده بود. وقتی مدرسه سوری ادسا، در اواخر قرن پنجم میلادی به علت اختلاف مذهبی منحل شد دانشمندان

رانده شده آن، در ایران به دربار انوشیروان پادشاه ساسانی (۵۷۸-۵۳۱ م.) پناه بردند که قبلاً فیلسوفان نوافلاطونی که ژوستین آنها را از آتن تبعید کرده بود، به خوبی پذیرفته بود. انوشیروان در جندی شاپور خوزستان یک مدرسه بنا کرد که تا زمان عباسیان، در آنجا طب و فلسفه یونان تدریس می‌شد. مرکز دیگر فرهنگ و تمدن یونانی، شهر حران در بین‌النهرین بود. ساکنین آن از کفار شام بودند که اغلب از آنها در تاریخ مسلمانها به نام صائین نام برده شده است، این‌ها زبان عربی را به راحتی تکلم می‌کردند و به میزان زیادی در نشر حکمت یونان، سهم بودند. (همان: ۳۶۲)

۵-۲. نمونه‌های تطبیقی نیکلسون در پرتو تمایزات و تشابهات

بی‌گمان یکی از مهمترین مشخصات سبکی این اثر، مقایسه‌های ادبی مؤلف است. این مقایسه‌ها- که در تنها جدول این مقاله تنظیم گردیده است- در دو عنوان زیر قابل دسته‌بندی و تفکیک است: الف. مقایسه براساس تشابه یا تمایز شخصیتی و فکری ادیبان: به نظر می‌رسد، هدف مؤلف از این رویکرد، تقریب مفاهیم ادبی یا ویژگی‌های شخصیتی ادیبان عرب با ادبیات اروپاست؛ لذا این بخش از زاویه ادبیات تطبیقی و نقد ادبی چندان ارزش علمی ندارد و فقط برای فهماندن مطالب به مخاطبان اروپایی و ملموس نمودن پدیده‌های ادبی است.

ب. مقایسه براساس تشابه یا تمایز ادبی و فنی میان ادیبان؛ این بخش، از زیبایی‌های کار مؤلف است؛ زیرا چنین رویکرد نقدی، مطمح نظر نقد ادبی و ادبیات تطبیقی (مکتب آمریکایی) است، اما چالش و نقد اساسی وارده بر نیکلسون در این قسمت، سطحی بودن و اختصار شدید گفته‌های وی است.

شخصیت یا موضوع (مشبه)	تشابه یا تمایز (وجه شبه یا تمایز)	شخصیت یا موضوع (مشبه)
بحور شعر یونانی و لاتینی هستند (ص ۱۰۵).	از نظر کمی همانند	۱. بحور شعر عرب
مراثی «گری» (۲۰) هستند (ص ۱۰۶).	از نظر طول قصیده، کوتاه‌تر از	۲. معلقات عرب
«نسوس» (۲۲) است (ص ۱۳۱).	با لباس زهرآلود توسط امپراطور، مثل کشته شدن	۳. کشته شدن امرؤالقیس شاعر (۲۱)

Commented [M1]: فونت ۱۲

Commented [M2]: فونت ۱۱

۴. عنتره بن شداد (۲۳)	قهرمان افسانه‌ها همانند	آشیل (۲۴) است با این تفاوت که او زاده الهه نیست (ص ۱۳۸).
۵. کلمه صوفی؛ به معنای لباس پشمی	در اشتقاق همانند	کاپوشن هاست (۲۵) که عنوان خود را از «باشلق» گرفته‌اند (ص ۲۴۲).
۶. رباعه (۲۶)	در زهد و ریاضت همانند زنان اروپایی:	سنت‌ترزاه (۲۷) گویدن، (۲۸) کاترین یسنایی (۲۹) و ژولیان نوروژی (۳۰) ... هستند (ص ۲۴۶).
۷. غزلیات عمر بن ابی ربیع (۳۱)	در لطافت، بی‌پیرایگی و روانی همانند	شعر کاتولوس (۳۲) است (ص ۲۵۰).
۸. شخصیت فرزدق (۳۳)	در شرارت همانند شخصیت	فرانسوا ویلون (۳۴) بود (ص ۲۵۵).
۹. شعر ابونواس (۳۵)	در لطافت همانند	شعر دکتر جانسون اسکاتلندی (۳۶) است (ص ۳۰۰).
۱۰. شخصیت ابونواس	در ندیمی و بذله‌گویی همانند شخصیت	هاول گلاس (۳۷) و جومیلر (۳۸) است (ص ۳۰۶).
۱۱. شعر متنبی (۳۹)	در اسلوب و فخامت سبک، همانند	اسلوب و یکتور هوگو (۴۰) است (ص ۳۱۹).
۱۲. امرؤالقیس و هم ردیفانش	در بنیانگذاری شعر عرب همانند	چوسر (۴۱) برای عامه مردم انگلیس هستند (ص ۳۰۳).
۱۳. شعر مولوی	در هیجان فراوان و لطافت و زیبایی کلمات	برتر از شعر ابن فارض (۴۲) است (ص ۳۳۰).

۱۴. مسعودی (۴۳)، مؤلف مروج الذهب	جز در وحدت هنری؛ در روح تحقیق، تفکر و تدبیر همانند	هرودوت (۴۴) یونانی است (ص ۳۵۶).
۱۵. مسعودی	در نگارش تاریخ و روایات، همانند	سوتونیوس (۴۵) مورخ لاتینی است (ص ۳۵۷).
۱۶. ذوالنون مصری (۴۶)	در رد هرگونه بیان قراردادی مربوط به الوهیت	مثل دیونیسوس (۴۷) فیلسوف همه فلاسفه یونان است (ص ۳۹۳).
۱۷. شعر ابن زیدون (۴۸)	در لطافت تغزل، همانند شعر	تیبولس (۴۹) و پترارک (۵۰) است (ص ۴۳۰).
۱۸. وفيات الأعیان ابن خلیکان (۵۱)	در لطافت، سادگی، دقت و اطلاعات گوناگون تاریخی - ادبی	شبهه «جانسون» اثر «بسول» (۵۲) است (ص ۴۸۵).
۱۹. شخصیت «ابوشادوف» در شعرهای عامیانه «شربینی» (۵۳)	در هجو آداب غریب و بیان حال دهقان	شبهه «پیرز» فلاح در قصیده «رؤیا» اثر «لانگلد» (۵۴) است (ص ۴۵۷).

۳. نتیجه

۱. جریان «تأثیر و تأثر»: نیکلسون در این رویکرد تفصیلی - به مانند بیان تأثیر و تأثر متقابل فرهنگ عربی، ایرانی، یونانی و هندی - بیشتر به «اثبات پیوندهای تاریخی» و «ارائه اسناد و مدارک» پرداخته است. لذا می توان این مسأله را از جنبه های مؤفق ادبیات تطبیقی در اثر وی پرشمرد.
۲. بیان تمایزات و تشابهات شخصیتی و فکری: این بخش از پرداخت های نیکلسون تا حدودی از مبانی ادبیات تطبیقی به دور است؛ زیرا هدف مؤلف، بیشتر تقریب مفاهیم و ملموس کردن آنها در ذهن مخاطبان اروپایی است که چندان با ادیبان عرب آشنایی ندارند.

۳. تمایزات و تشابهات ادبی و فنی: این رویکرد که امروزه در مکتب نقدی و زیبایی‌شناسی آمریکایی مورد پذیرش است در گفته‌های نیکلسون همراه با ایجاز فراوان بیان شده است.

۴. ادبیات تطبیقی و فرهنگ: رویکرد نیکلسون در این بخش، به دو شاخه قابل تفکیک است: الف. پیوند متقابل ادبیات و فرهنگ؛ که امروزه در حوزه مطالعات ادبیات تطبیقی و مطالعات فرهنگی قابل دسته‌بندی است.

ب. ادبیات تطبیقی و مطالعات پسااستعماری: نیکلسون در این زمینه، بیشتر به «برتری‌پنداری غربی» و «امید به نفوذ و سیطره فرهنگی غرب بر شرق» نظر دارد.

۴. پی‌نوشت‌ها

(1) Aliterary history of the Arabs

(۲) - این تعبیر را از انوشیروانی به عاریت گرفته ام. (۱۳۸۹/الف: ۲۹)

(۳) - از اصحاب معلقات و در شمار شاعران برجسته عصر جاهلی می‌باشند. (ر.ک: الزرکلی، ۱۹۹۰: ۸۴/۴). «اعشی» / (الزرکلی، ۱۹۹۰: ۵ / ۲۴۰. «لید» / الزرکلی، ۱۹۹۰: ۵ / ۲۴۰. «لید» / الزرکلی، ۱۹۹۰: ۳ / ۵۵-۵۴. «ناغیه»)

(۴) - فون کرمر: خاورشناس استرالیایی.

(۵) - سرچارلز لایل: خاورشناس معروف انگلیسی که المفضلیات و شرح معلقات تبریزی را تصحیح و انتشار داد. (توتل، ۱۹۶۹: ۶۱۱).

(۶) - ویلهاوزن: یولیوس ویلهاوزن (۱۲۶۰-۱۳۳۶ = ۱۸۸۴-۱۹۱۸ م): خاورشناس آلمانی است که کتابی در «تاریخ دولت اموی» و «دین عرب در جاهلیت» به زبان آلمانی نوشت، سپس آن را به همراه ترجمه عربی انتشار داد. (الزرکلی، ۱۹۹۰: ۲۶۰ / ۸).

(۷) - ادوارد براون: (۱۸۶۲-۱۹۲۶): خاورشناس، ایران شناس، مترجم و مصحح معروف انگلیسی که کتاب تاریخ ادبی ایران از جمله آثار برجسته اوست.

(۸) - ابن خلدون (۷۳۵-۸۰۸ = ۱۳۳۱ - ۱۴۰۶ م) فیلسوف، مورخ و جامعه‌شناس و صاحب کتاب «العبر و دیوان المبتدا والخبر فی تاریخ العرب و العجم والبربر». (ر.ک: الزرکلی، ۱۹۹۰: ۳ / ۳۰۳)

(۹) - مورخ و سیاستمدار بزرگ ایتالیا (وفات ۱۵۲۹). از آثار او؛ هنر جنگ شاهزاده و تیتلو. (به نقل از: نیکلسون، ۱۳۸۰: ۴۴۴. پاورقی مترجم)

(۱۰) - Vico: ویکو، مستشرق ایتالیایی

(۱۱) - مورخ انگلیسی (وفات ۱۷۹۴). مؤلف تاریخ نزول و سقوط امپراطوری روم. (به نقل از: نیکلسون، ۱۳۸۰: ۴۴۴. پاورقی مترجم).

(۱۲) - ملقب به شیخ اکبر، نظریه پرداز تصوف اسلامی و صاحب الفتوحات المکیة و فصوص الحکم. (ر.ک: الزرکلی، ۱۹۹۰: ۶ / ۲۸۱).

Commented [M3]: عدم رعایت فاصله

Commented [M4]: کتابی درباره نوشت؟ یا کتابی با این دو عنوان نوشت در صورتی که نام کتاب است ایتالیک شود

Commented [M5]: عدم رعایت فاصله

- (۱۳) - Raymond lull: ریموند لول (۱۲۳۵-۱۳۱۵م). در کاتالونیا (ناحیه شمال شرقی اسپانیا) متولد شد و لقب مستنیر (پرتوگرفته) یافت و کتاب معروف او در فن کلام «فن العظیم» نام دارد. (به نقل از: نیکلسون، ۱۳۸۰: ۴۰۹. پاورقی مترجم).
- (۱۴) - دانه آلیگیری (۱۲۶۵-۱۳۲۱م)، شاعر معروف ایتالیا، مصنف کمدی الهی. (به نقل از: همان)
- (۱۵) - قونوی (۶۶۸-۷۲۹=۱۳۲۹-۱۲۷۰م): فقیه و شافعی مذهب بود در قونیه ولادت یافت، به قاهره رفت، صوفی گردید و به علوم ادب و فقه پرداخت. سال ۷۲۷ ه قضاوت شام را بر عهده گرفت و تا زمان فوتش در دمشق اقامت گزید. (الزرکلی، ۱۹۰: ۴ / ۲۶۴)
- (۱۶) - کارل بروکلمان: (۱۸۶۸-۱۹۵۶): خاورشناس آلمانی که دو کتاب «تاریخ ادبیات عربی» و «تاریخ ملت اسلامی» از اوست. (توتل، ۱۹۲۰: ۱۲۹)

(17) - Imalogy

- (۱۸) - این دو تعبیر را از انوشیروانی به عاریت گرفته‌ام (۱۳۸۹/ب: ۳۹).
- (۱۹) - مطالعات پسااستعماری (postcolonial): نظریه و نقد پسااستعماری بر جابه‌جایی‌های فرهنگی - و تأثیرات آن بر هویت‌های فردی و جمعی - متمرکز است؛ زیرا این تأثیرات خواه‌ناخواه به دنبال تسلط و حاکمیت استعمارگران به وجود می‌آیند. نظریه و نقد پسااستعماری این مباحث را از دیدگاه ناوروپامحور (non-Eurocenteric) بررسی می‌کند، و امپریالیسم توسعه‌طلب متجاوز قدرت‌های استعمارگر، و خاصه نظام ارزشی حامی امپریالیسم را که همچنان در جهان غرب حکمفرماست، به طور ریشه‌ای می‌پرسد می‌کشد. نظریه و نقد پسااستعماری، فرایندها و تأثیرات جابه‌جایی فرهنگی را مورد بررسی قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که آوارگان [استعمارزده] چگونه از هویت فرهنگی خود دفاع می‌کنند... ادوارد سعید و هومی بهائیا از چهره‌های سرشناس این نظریه به شمار می‌آیند. (برتنس، ۱۳۸۴: ۲۳۰-۲۳۱)
- (۲۰) - گری: در باب این مرثیه‌ها چیزی یافت نشد.
- (۲۱) - پیشگام شعر عرب و صاحب معلقه مشهور «قفا نیک» است که شهرتش در غزلیات اباحی و وصف طبیعت است. (ر.ک: الزرکلی، ۱۹۰: ۲ / ۱۱)
- (۲۲) - نسوس در افسانه‌های یونانی قنطورسی است که مسافران را در رود اونوس می‌دزدید. چون خواست دیانیرا را برآید هرکول او را تیری زهرآلود زد. نسوس برای انتقام‌جویی در حال مرگ مقداری از خون خود را به عنوان معجون عشق به دیانیرا داد. دیانیرا جامه‌ای را که به آن خون آغشته کرده بود برای هرکول فرستاد اما به محض آنکه هرکول جامه را پوشید بسوخت. بنابراین بهتر بود در اینجا بگوید همانند هرقل به دسیسه نسوس کشته شد... (به نقل از: نیکلسون، ۱۳۸۰: ۱۳۱. پاورقی مترجم)
- (۲۳) - از اصحاب معلقات که شهرتش در تغزل عقیقانه به دختر عمویش «عبله» و حماسه‌سرایی (فخریه) است. (ر.ک: الزرکلی، ۱۹۰: ۵ / ۹۱)
- (۲۴) - مادر عتره کنیزکی سیاه بود، اما مادر آشیل از الهگان بود. (به نقل از: نیکلسون، ۱۳۸۰: ۱۳۸. پاورقی مترجم)
- (۲۵) - Cappuccino: باشلق، ترکی، کلاه پشمی بزرگ. (همان. پاورقی مترجم. به نقل از فرهنگ فارسی معین).

- (۲۶) - رابعه: دختر اسماعیل عدی القسیمی با کنیت ام الخیر. او محبت را از حالات سیر و سلوک قرار داد و بر آن اصرار داشت. (همان. پاورقی مترجم (ص ۲۴۵). به نقل از تذکره الأولیاء ص ۷۲ / الزرکلی، ۱۱۹۰: ۳ / ۱۰).
- (۲۷) - سنت ترزا یا ترزا اویلا: راهبه اسپانیایی (۱۵۱۵-۱۵۸۲) که خدمات زیاد به کلیسا و مخصوصاً فرم صومعه مخصوص زنان کرد. (همان. پاورقی مترجم (ص ۲۴۶). به نقل از: لاروس بزرگ).
- (۲۸) - مادام دوگوییون: راهبه و عارفه فرانسوی (۱۶۸۴-۱۷۱۷) (همان. پاورقی مترجم (ص ۲۴۶). به نقل از: لاروس بزرگ)
- (۲۹) - سنت کاترین اهل سین از ایتالیا: از فرقه مینیکان. او از پانزده سالگی در سلک خواهران کلیسا در آمد و پس از آن حالت جذب و شوق عارفانه خالصانه پیدا کرد (همان)
- (۳۰) - ژولیان نوروژی: درباره ایشان چیزی یافت نشد.
- (۳۱) - شاعر و غزلسرای مشهور دوره اموی که بیشتر غزلیاتش در چارچوب غزلیات اباحی گری قرار می‌گیرد. (ر.ک: الزرکلی، ۱۱۹۰: ۵ / ۵۲).
- (۳۲) - Catullus: شاعر لاتینی. (به نقل از: نیکلسون، ۱۳۸۰: ۲۵۰. پاورقی مترجم. به نقل از: لاروس).
- (۳۳) - شاعر هجویه‌سرا و از اصحاب نقاض به روزگار امویان که قصیده‌ای مشهور هم در مدح امام زین العابدین (ع) نیز دارد. (ر.ک: الزرکلی، ۱۱۹۰: ۸ / ۹۳)
- (34) - francis Villon .
- (۳۵) - شاعر ایرانی تبار و باده‌سرای مشهور در عصر عباسی (ر.ک: الزرکلی، ۱۱۹۰: ۲ / ۲۲۵)
- (۳۶) - دکتر جانسون: درباره ایشان چیزی یافت نشد.
- (37) - Howleglass
- (38) - Joe miller
- (۳۹) - ابوالطیب احمد بن حسن المتنبی (۳۰۳-۹۱۵ ه.ق.) شاعر، حکیم، مداح و حماسه‌سرای مشهور به روزگار عباسیان که شعرش به قوت و فخامت در لفظ و معنا ممتاز است. (ر.ک: الزرکلی، ۱۱۹۰: ۱ / ۱۱۵)
- (۴۰) - ویکتور هوگو (۱۸۰۳-۱۸۸۵): شاعر و نویسنده معروف فرانسوی و صاحب کتاب پینوایان (به نقل از: نیکلسون، ۱۳۸۰: ۳۱۹. پاورقی مترجم. به نقل از: فرهنگ فارسی معین).
- (۴۱) - جفری چوسر (متوفای ۱۴۰۰م): شاعر و ادیب معروف انگلیسی که از او به عنوان پدر و بنیان‌گذار شعر انگلیسی یاد می‌کنند. (همان: ۳۰۳. به نقل از تاریخ ادبیات انگلیسی تالیف صورتگر: ۱۴۹).
- (۴۲) - شاعر و صوفی معروف و صاحب تائیه کبری و صغری و معاصر ابن عربی (ر.ک: همان: ۴۰۰. به نقل از: وفيات الاعیان ابن خلکان، ج ۱: ۴۱۷؛ الزرکلی، ۱۱۹۰: ۵ / ۵۵).
- (۴۳) - مسعودی: مورخ، بسیار اهل سفر، پژوهشگر و از اهالی بغداد بود، در مصر اقامت گزید و در آنجا نیز وفات یافت. الذهی می‌گوید: او را از اهالی بغداد شمرده‌اند، مدتی ساکن مصر شد و معتزلی بود، «مروج الذهب» «اخبار الزمان و من أباده الحدثان»، «التنبیه والإشراف» و ... از جمله آثار اوست. (الزرکلی، ۱۱۹۰: ۴ / ۲۷۷).
- (۴۴) - هردوت: پیشگام و پدر علم تاریخ: <http://anthropology.ir/node/8674>

- (۴۵) - کایوس سوئونیوس تراکلوس: مورخ لاتین که حدوداً تا سال ۱۲۸ میلادی می‌زیسته است. وی زندگانی دوازده سزار را با حکایات جالب در سرگذشت آنان نگاشته است. (به نقل از: نیکلسون، ۱۳۸۰: ۳۵۷). پاورقی مترجم. به نقل از: لاروس).
- (۴۶) - ذوالنون مصری (متوفای ۲۴۶هـ). او را اولین مبدع اصول صوفیه دانسته‌اند. در تذکره الأولیای عطارد برخی سخنان وی نقل شده است. (ر.ک: همان، ۳۹۲/الزرکلی، ۱۱۹۰: ۱۰۲/۲).
- (۴۷) - دیونیسیوس: سرآمد همه فلاسفه یونان در دفاع از مسیحیت (همان: ۳۹۳، پاورقی مترجم. به نقل از: تاریخ تصوف در اسلام: نیکلسون)
- (۴۸) - ابن زیدون: شاعر و غزلسرای مشهور ادبیات عصر اندلس. (ر.ک: الزرکلی، ۱۱۹۰: ۱/۱۵۸)
- (۴۹) - تیولس: شاعر لاتی‌بی که مرثیه‌های لطیف و بسیار مؤثر سروده است و بین سالهای ۱۹۵۴ قبل از میلاد می‌زیسته است. (به نقل از: نیکلسون، ۱۳۸۰: ۴۳۰، پاورقی مترجم. به نقل از: لاروس).
- (۵۰) - پیتراک: شاعر معروف ایتالیا (۱۳۰۴-۱۳۷۴م). (همان).
- (۵۱) - شمس‌الدین ابن خلکان (۶۰۸-۶۸۱هـ) تاریخ نگار و شرح حال نویس و صاحب وفیات الأعیان (همان: ۴۵۷).
- (۵۲) - درباب این اثر و مؤلف وی چیزی یافت نشد.
- (۵۳) - شاعر شعرهای مردمی و عامیانه مصری که در فاصله سالهای ۱۰۹۹ هـ می‌زیسته است. (همان: ۴۵۷).
- (۵۴) - لقب شاعر، انگلند و نام منظومه «پیرز پلومن» است. (همان: ۴۵۷).

منابع

الف: کتاب‌ها

- بر تنس، هانس (۱۳۶۴). *مبانی نظریه ادبی*. ترجمه: محمدرضا ابوالقاسمی. چاپ اول. تهران.
- توتل، فردینال (۱۹۶۵). *المنجد فی الأعلام*. الطبعة العاشرة. بیروت: دارالمشرق.
- الزرکلی، خیرالدین (۱۱۹۰). *الأعلام*. الطبعة التاسعة. بیروت: دارالعلم للملایین.
- نیکلسون، رینولد آلن (۱۳۸۰). *تاریخ ادبیات عرب*. ترجمه: کیوان دخت کیوانی. چاپ اول. تهران: ویستار.

ب: مجله‌ها

- انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۹/الف). آسیب شناسی ادبیات تطبیقی در ایران. *ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، (دوره اول)، شماره دوم (۲/۱) پیاپی ۲، صص ۳۲-۵۵.

Commented [M6]: نیازی به عنوان بندی نیست تمام منابع یکدست و براساس حروف الفبا تنظیم گردد

Commented [M7]: برای جملات و کلمات عربی فونت عربی بکار برده شود

- (۱۳۸۹/ب). ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران. ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (دوره اول)، شماره اول (۱/۱) پیاپی ۱، صص ۶-۳۸.
- (۱۳۹۰/الف). ضرورت آشنایی با نظریه‌های ادبیات تطبیقی در ایران. ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (دوره دوم)، شماره اول (۱/۲) پیاپی ۳، صص ۳-۷.
- (۱۳۹۰/ب). ادبیات جهان از اندیشه تا نظریه. ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (دوره دوم)، شماره اول (۲/۱) پیاپی ۳، صص ۲۳-۴۱.
- باسنت، سوزان (۱۳۹۰). ادبیات تطبیقی تا ترجمه پژوهی. ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (دوره دوم)، شماره اول (۱/۲) پیاپی ۳، صص ۷۱-۹۹.
- ذکاوت، مسیح (۱۳۸۹). معرفی و نقد کتاب (باسنت، سوزان). ادبیات تطبیقی: درآمدی نقادانه، آکسفورد، (بلک ول، ۱۹۹۳)، ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (دوره اول)، شماره دوم (۲/۱) پیاپی ۲، صص ۱۸۱-۱۸۵.
- زینی وند، تورج (۱۳۹۳). آن سوی ماهیت ادبیات تطبیقی از نگاه ناقدان عرب. دوفصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، (دوره ۲)، شماره ۲، پیاپی ۴، صص ۱-۲۶.
- (۱۳۹۲). ادبیات تطبیقی و مقوله فرهنگ. فصلنامه کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی، سال سوم شماره ۱۲، صص ۱-۱۶.
- (۱۳۹۱). فقدان روش پژوهش در مطالعات تطبیقی ادبیات عربی - فارسی. ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲/۳، پیاپی ۶، صص ۹۴-۱۱۴.

Commented [M8]: نام نویسنده مجدد تکرار شود در همه موارد

↑ Commented [M9]:



بحوث في الأدب المقارن (الأدين العربي والفارسي)
جامعة رازي، السنة ... العدد ... هـ ق، صص ...

قراءة جديدة لآراء "نيكلسون" في ضوء المبادئ النظرية للأدب المقارن (دراسة و تحليل)

الكاتب الأول

أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، كلية الآداب، كرمانشاه، ايران

الكاتب الثاني

ماجستير اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، كلية الآداب، كرمانشاه، ايران

القبول:

الوصول:

الملخص

ليس المستشرق الإنجليزي ريتولد آلن نيكلسون (١٨٦٨-١٩٤٥م) منظرًا لغويًا بقدر ما يكون مصححاً و شارحاً للنصوص الصوفية الإسلامية. إلا أنه أهتم في كتابه تاريخ الأدب العربي بتقديم بعض التيارات المتبادلة و الدراسات المقارنة بأسلوب مدرّس مقتضب. ما تفيد هذه الدراسة و اعتماداً على المنهج الوصفي التحليلي هو، إنه بإمكاننا إختزال أهم آراء نيكلسون بشأن الأدب المقارن و التي نستكشفها عبر النماذج الواردة في كتابه، في المحاور التالية: ١. التيارات المتبادلة. ٢. الأدب المقارن و مساره الثقافي (الثقافة الشفهية و دراسة الصور الثقافية و دراسات فترة ما بعد الاستعمار). ٣. وجوه التلاقح و التباين بين الأدباء و الثقافات. ٤. نقد جماليات المقارنة للنصوص الأدبية. زد على ذلك أننا نلمس براعة نيكلسون في الأغلب عند دراساته التي نفلدها في المجالين، التأثير المتبادل و المقارنة لأوجه التشابه و التمايز الأدبية. و فيما يتعلق بالمجال الأول، فإن قضية احتكاك الثقافة الفارسية بالحضارة الإسلامية تحتل حيزاً واسعاً من إبحاثه. واما فيما يخص المجال الثاني، فإن نيكلسون تطرق و في اختصار شديد إلى موضوع النقد وجمالية المقارنة الأدبية بين الأدباء العرب و كبار أدباء الغرب والآراء الغربية.

المفردات الرئيسية: نيكلسون، الأدب المقارن، تاريخ الأدب العربي، النظرية الأدبية، المقارنة الأدبية.



Research article

Research in Comparative Literature (Arabic and Persian Literature)
Razi University, Vol. ..., No. ...

History of Arab Nicholson literature in comparative literature mirror

Tooraj Zinivand¹

Associate Professor of Arabic Language and Literature, Kermanshah Razi University.Iran

Parisa Amiri²

M.A. of Arabic Language and Literature, Kermanshah Razi University.Iran

Received:

Accepted:

Abstract

Reynolds Alan Nicholson (1868- 1945) orientalist of prominent English, although a "theorist" or "matching " isn't famous in field of comparative literature, and his reputation in "translation", "correction" and "explain" some famous works of Islamic mysticism, but in book "History of Arabic Literature "that is some flow " impact and affected ", compares " and " analyzes comparative "concise and methodical been committed.

The findings of analytical - descriptive this study, suggest that some examples of adaptive Nicholson in this work in several dimension prominent comparative literature be "inferred", "analysis" and "category":1. impact and affected flow. 2. Comparative literature and culture territory (oral culture, cultural image recognition, post-colonial studies). 3. distinctions and similarities between writers and cultures. 4. Review and aesthetics comparative literary texts.

Moreover, Nicholson art in this approaches mostly in two impact and affected territories and comparison of similarities and lies literary differences. The first species; issue of Iranian culture presence in area of Islamic civilization, maximum quantity to be allocated discussion and in two species; question criticism and aesthetics and a comparison of Arab scholars with politeness elders and Western thought however be brevity most of it.

Keywords: Nicholson, comparative literature, History of Arabic Literature, Literary theory, literary comparison.

Corresponding Author's Email:

T_Zinivand56@ yahoo.com

Email:

Parisa.amiri133@gmail.com